

امنیت‌سازی؛ تحلیلی نشانه‌شناسیک

دکتر اصغر افتخاری

تاریخ ارائه: ۸۲/۸/۱۰

معاون پژوهشی پژوهشکده مطالعات راهبردی

تاریخ تأیید: ۸۲/۸/۲۴

چکیده

این تصور که قدرت در محور معادلات امنیت ملی قرار دارد، گذشته از انتقاداتی که بر آن وارد شده، هنوز هم از اعتبار بالایی برخوردار است؛ به گونه‌ای که گروه‌های کثیری از تحلیلگران و تصمیم‌گیران حوزه مسائل امنیتی بر جایگاه منحصر بفرد دولت (به عنوان دارنده مشروع قدرت) در تعریف و تعیین وضعیت امن اتفاق نظر دارند. با اینحال پذیرش اهمیت جایگاه قدرت در فرآیند امنیت‌سازی را نمی‌توان دلیلی بر محوریت دولت در شکل‌گیری معنای امنیت دانست. نوشتار حاضر با توجه به این بعد از موضوع، پرسش از وضعیت امن را بدین صورت مطرح می‌سازد که: «آیا قدرتها می‌توانند همان معنایی را که از وضعیت امن مدنظر دارند، به عنوان مدلول مطلوب خویش در اذهان مخاطبان خود - مردم - بوجود آورند یا خیر؟» به عبارت دیگر، نوع رابطه بین «تصویر صاحبان قدرت از امنیت» با «تصویر موجود از امنیت در جامعه» را جستجو می‌کند. تحلیل «نشانه‌شناسیک» مؤلف که برگرفته از تحلیل‌های حوزه زبان‌شناسی است؛ حکایت از آن دارد که در این حوزه، قدرتها با چهار چهره شناسانده می‌شود: گفتار، تصمیم، رفتار و بازخورد. به عبارت دیگر، معنای امنیت صرفاً برگرفته از «گفتار» صاحبان قدرت نیست؛ بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد که در بسیاری از موارد، مدلول امنیت متأثر از نشانگان دیگر - مانند تصمیم، رفتار و مهمتر از همه بازخورد - مدلولی کاملاً متفاوت از دال مورد نظر صاحبان قدرت بیابد.

کلیدواژه‌ها: امنیت ملی، دولت - ملت، نشانه‌شناسی، تصمیم‌سازی، سیاست اعلامی، سیاست عملی، رفتار سیاسی

مقدمه

«البته باید پذیرفت که امنیت هر روز معنایی دارد... که پیوسته با عنایت به مولفه‌های مختلف ... تغییر می‌یابد... با اینحال عرصه واقعیت حکایت از آن دارد که می‌توان - و باید - در هر مقطعی نسبت به تعریف عملیاتی آن همت گمارد»^(۱)

تصریح «الی ویور»^۱ مبنی بر ضرورت فراروی از سطح معانی متحول امنیت و رسیدن به برداشتی مرجع از آن که بتواند مبنای سیاست عملی قرار گیرد؛ اگرچه از سوی بسیاری از تحلیلگران و سیاستگذاران امنیتی به مثابه برون‌رفتی برای «محظور»^۲ «تاویل پذیری امنیت» ارزیابی و قلمداد شده است،^(۲) اما از حیث ماهیت‌شناختی نمی‌تواند رافع این محظور باشد. دلیل این امر نیز به نظام پیچیده معناشناسی امنیت در عرصه عمل سیاسی بازمی‌گردد که در نهایت دولت‌ها را در طراحی و تأسیس وضعیت امن مطلوب خود، با مشکل مواجه می‌سازد.

مقاله حاضر اگرچه به بررسی موضوعی روش‌شناختی در باب «امنیت» می‌پردازد - و از رابطه دال و مدلول امنیت در درون یک واحد سیاسی پرسش می‌نماید - اما در مقام نتیجه‌گیری، نگرشی کاربردی داشته و بدنبال آن است تا برخی از مهمترین نشانگان امنیتی را برای تصمیم‌سازی و طراحی راهبرد امنیتی شناسایی و معرفی نماید. برای این منظور نخست چارچوب تحلیلی بحث که ریشه در مباحث زبان‌شناسی دارد، تبیین و بر اساس آن ساخت مشابهی برای مقوله امنیت طراحی و ارائه می‌شود. در پایان بر اساس الگوی طراحی شده، تلاش می‌شود تا گزاره‌های مؤثری در نقش‌آفرینی دولت در شکل‌گیری برداشتی خاص از امنیت در درون جامعه، معرفی شوند.

1. Ole Waver

2. Dilemma

الف. ساختار^۱ معناشناسانه امنیت در مناسبات ملت - دولت

معمولاً دولت‌ها گمان می‌برند که به علت محوریت جایگاه خود در عرصه معادلات امنیتی، می‌توانند ساختار معنایی امنیت در اذهان مخاطبان خویش را شکل داده و به آن سمت و سو دهند. اما تجربه عملی نشان می‌دهد که «امنیت» هویتی فرار دارد و ضرورتاً در قالب سیاست‌ها و یا خواسته‌های دولتمردان فهم و معنا نمی‌شود. (۳) درک این تجربه عملی منوط به بررسی ساختار معناشناختی واژه امنیت در مناسبات امنیتی - در سطوح داخلی و خارجی - است تا از این طریق عوامل تاثیرگذار بر اقدامات دولتمردان در راستای فرآیند مطلوب امنیت‌سازی، آشکار شوند.

اول. نظام دلالت معنایی در حوزه زبان‌شناسی

بنیاد نظری بحث حاضر را می‌توان در مطالعات زبان‌شناسانه «سوسور»^۲ جستجو کرد که به درستی از او به عنوان طراح مطالعات نشانه‌شناسانه^۳ یاد می‌شود. (۴) از مجموع پژوهش‌های به عمل آمده توسط وی، «رولان بارت»^۴ و «اومبرتو اکو»^۵ می‌توان نظام انتقال معانی را به شرح زیر ساختاربندی کرد:

۱. معنای مورد نظر گوینده؛
۲. واژگان به کار رفته توسط گوینده، جهت برقراری ارتباط با مخاطب؛
۳. تصویر ذهنی ایجاد شده نزد مخاطب با شنیدن واژگان بیان شده (مدلول)؛

1. در گفتمان سوسوری معمولاً واژه «نظام» کاربرد بیشتری نسبت به واژه «ساختار» - که نیکلای تروبتسکوی از آن استفاده می‌کرد - دارد. دلیل این امر نیز آن بود که در دیدگاه او زبان ماهیتی نظامدار داشت. در اینجا نویسنده برای هماهنگی با دیدگاه سوسور که چارچوب اصلی بحث را در این قسمت تشکیل می‌دهد، به تناسب از این واژه استفاده کرده است.

2. F.de Saussur

3. Semiology

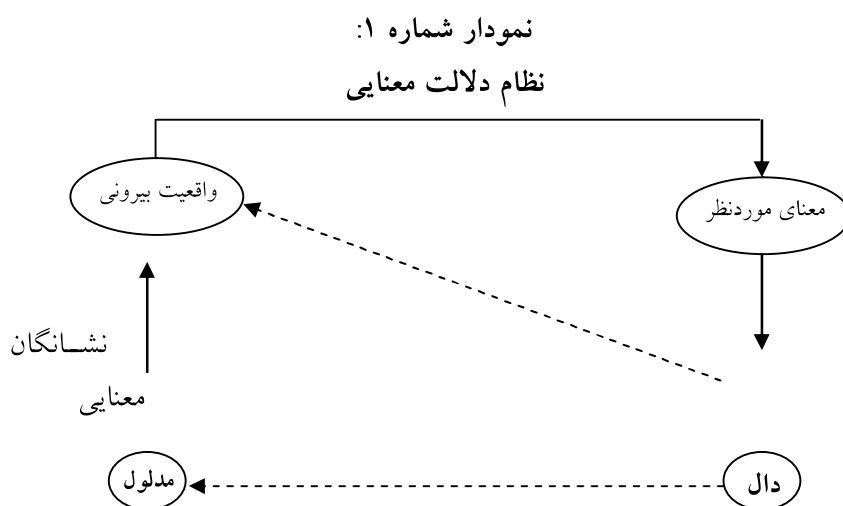
4. R.Barthes

5. U.Eco

۴. واقعیت بیرونی در خارج که هدف گوینده بوده است؛

۵. نشانگان معناشناختی که بین دال و مدلول ارتباط برقرار می‌نمایند.

به عنوان مثال اگر گوینده در مقام آگاهی بخشی به مخاطب خود در خصوص یک درخت باشد؛ برای انتقال این معنا از واژه «درخت» (دال) که در چارچوب ضوابط و قواعد زبان فارسی (نشانگان معناشناسانه) برای انتقال این معنا وضع شده، استفاده می‌کند. با اینحال تصویر ذهنی شنونده از واژه «درخت» بطور طبیعی با «واقعیت بیرونی» منطبق نخواهد بود. (۵) این تحلیل را می‌توان بصورت نمودار شماره ۱ نمایش داد:



خلاصه نظریه بالا آن است که بین «دال» (الفاظ بکار رفته) با «واقعیت‌ها»، به طور پیوسته فاصله‌ای وجود دارد که «مدلول‌ها» آن را پر می‌کنند. بنابراین «گوینده» نباید - و نمی‌تواند - توقع داشته باشد که واژگان به کار رفته توسط وی معرف کامل واقعیت بیرونی‌ای باشند که وی مدنظر داشته است. با این توضیح مشخص می‌شود که «نشانگان

معنایی» نقش برجسته‌ای در نزدیک کردن «تصاویر ذهنی» با «واقعیت‌های» بیرونی دارند؛ که در حوزه مطالعات علوم انسانی و اجتماعی، از اهمیت و پیامدهای مؤثری برخوردارند.

دوم. نظام دلالت معنایی در حوزه امنیت‌پژوهی

«در واقع باید پذیرفت که دولت قدرتمندترین ابزار برای تحصیل امنیت - یا ایجاد

ناامنی - برای افراد یا سایر دولتها ... است. از این منظر می‌توان ادعا کرد که بدون

وجود دولتهایی قوی، تصویر وجود امنیت فردی، ملی و یا دیگر اشکال آن باطل است.» (۶)

نگاه جامعه‌شناسانه «مک سوینی»^۱ وی را به همان جایی رهنمون کرد که پیش از وی «باری بوزان» در کتاب خود، «مردم، دولتها و هراس» در تعیین محوریت نقش و جایگاه دولت در مقام تامین امنیت بدان رسیده بود. تأکید بوزان بر اینکه امنیت ملی بر سه رکن «ایده دولت»، «سازمان دولت» و «پایگاه مادی دولت» استوار است؛ (۷) رویکرد مسلطی را در حوزه مطالعات امنیت ملی شکل می‌دهد که تاکنون - و علی‌رغم پیامدهای گسترده پدیده جهانی شدن در حوزه سیاست - همچنان مرجعیت خود را حفظ کرده است. (۸) با اینحال مجموع ملاحظات انتقادی، دلالت بر آن دارد که این مرجعیت در مقام امنیت‌سازی بلامنازع نبوده و از حیث نشانه‌شناسیک می‌توان رقبای جدیی را برای تبیین، استقرار و نهادینه شدن «مدلول» وضعیت امنیتی مورد نظر «دولت» در جامعه سراغ گرفت. به این دلیل اندیشه‌گرانی چون «لاورنس تامپسون»^۲ بر ضرورت بازاندیشی در نقش قدرتها در تولید معنای امنیت تأکید کرده و بر این باورند که «مدلول امنیت» محصول فرآیند پیچیده‌ای است که اظهارات دولتمردان اگرچه در آن موضوعیت دارند، اما از محوریت خاص خود - به معنای مورد نظر در سیاست عملی - برخوردار نیستند. (۹)

1. Mc.Sweeney

2. Lawrence H. Thompson

نگارنده در مقام بازنگری این فرآیند و با توجه به نتایج مطالعات نظری و کاربردی به عمل آمده؛ دریافت «کلیدمعنایی»^۱ امنیت را در گرو توجه به نقش و جایگاه «زمینه»^۲ رویش قدرت، می‌داند. بدین نحو که بین دو تلقی از تاسیس معنای امنیت، تفکیک قایل شده و بر این باور است که برداشت سنتی و تک‌عاملی از تکوین معنای امنیت، (که قدرتها بصورت سنتی آنرا مدنظر دارند) به دلیل بروز تحول بنیادین در بستر اجتماعی این فرآیند، دیگر کاربرد پیشین را ندارد. این دو تلقی - که ضرورتاً در تقابل با یکدیگر هم نیستند - عبارتند از: «فرآیند قدرت محور» و «فرآیند زمینه محور». در حالی که در فرآیند نخست «مدلول امنیت» برخاسته از «معنای اراده شده» توسط صاحبان قدرت ارزیابی می‌شود؛ در دومین فرآیند مدلول امنیت، محصول عملکرد نشانگان چهارگانه دال امنیتی در بستر رویش امنیت، است. به عنوان مثال «ولکر فرانک» با نگاه به ماهیت معادلات امنیتی تا قبل از پایان جنگ سرد، چنین ادعا می‌کند که مدیریت امنیت ملی در این دوره به میزان زیادی با شاخصه‌های قدرت هر بازیگر در ارتباط است، بنابراین می‌توان مشاهده کرد که نقش دولت در تعیین جایگاه و ضریب امنیتی خویش در ورای فرآیندهای اجتماعی معنا شده و به نوعی جامعه متناسب با آن شکل گرفته و واکنش هماهنگی از خود نشان می‌دهد. اما در پی پایان جنگ سرد و متاثر از تحولات ارتباطاتی، اجتماعی و فکری، این نوع نگرش به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. (۱۰) نتیجه این جریان انتقادی قوی، ظهور روایت تازه‌ای از «معناسازی امنیت» می‌باشد که در آن نقش و تاثیر قدرت، به میزان بالایی اصلاح و تعدیل می‌شود. این

۱. «کلید معنایی» اصطلاحی است که در حوزه زبان‌شناسی به کار می‌رود و منظور از آن دقت در ظرایف و نکات دقیقی است که در متن وجود دارد و با کشف آنها می‌توان، به معنای واقعی یک متن پی برد. به عبارت دیگر معانی در ورای الفاظ مخفی هستند و تنها با تامل است که می‌توان به ورای ظواهر نفوذ کرده و معانی واقعی را درک و فهم کرد.

۲. منظور از «زمینه» در این مقاله بستری است که امنیت در آن معنا و استقرار می‌یابد. بنابراین اعم از Context. ۲. داخل و خارج است. بر این اساس احکام صادره در خصوص زمینه، قابل اطلاق بر دو حوزه امنیت داخلی و خارجی هستند.

رویکرد اگرچه از حیث گفتمانی همچنان «دولت محور» است، اما از نظر روش‌شناختی متمایز از روایت پیشین ارزیابی می‌شود. (۱۱) دلیل این امر نیز روشن است: اولاً: ابعاد غیرقدرتی در فرآیند تاثیرگذاری دولت پررنگتر شده‌اند، ثانیاً: تفکیک لازم بین بازیگر اصلی در تصمیم‌سازی امنیتی (یعنی دولت) و سایر عوامل موثر در معنابخشی به این واژه، اعمال شده است.

توجه به دو ملاحظه فوق، روایت «زمینه‌مدارانه» را بر روایت «قدرت محور»، برتری بخشیده و منجر شده تا اندیشه‌گرانی چون «جوئل میگدال»^۱ از شکل‌گیری پدیده «دولتهای ضعیف» در «جوامع قوی» سخن گویند. یعنی دولت‌های قدرتمندی که قادر به بازتعریف «قدرت» خود در «بستر داخلی و یا خارجی» نبوده و بالاجبار برای تعریف و استقرار مدلول امنیت مطلوب خویش، متوجه روایت قدرت محور شده‌اند.

«بحث اصلی‌ای که من در این کتاب طرح کرده و در پی بیان آن هستم، این است که:

توانایی دولتها (یا عدم توانایی‌شان در نقطه مقابل)، برای تحقق سیاست‌هایشان یا بسیج

مردم، به میزان زیادی به ساختار جامعه مربوط می‌شود. [به عبارت دیگر] میزان تاثیرگذاری

دولتمردان نه به قدرت بلکه به ماهیت اجتماعی قدرت‌شان بازمی‌گردد.» (۱۲)

بر این اساس مشخص می‌شود که «مدلول امنیت» در جوامع معاصر بیش از آنکه به «خواست قدرت» بازگردد، بر نشانگان اجتماعی - که در چارچوب روایت جدید معنا و مفهوم می‌یابند - مبتنی است. نشانگانی از قبیل گفتار، رفتار، تصمیم و بازخورد که در ادامه، نقش و جایگاه معنا‌ساز آنها مورد بحث قرار خواهد گرفت. (نگاه کنید به نمودار شماره ۲ که دو روایت قدرت محور و زمینه محور در نظام معنایی امنیت به تفکیک شناسانده شده‌اند.)

جای نمودار شماره ۲

ب. کالبدشکافی نشانه‌شناسیک امنیت

«ذهن ... غیرحرفه‌ای اکثر نخبگان تصمیم‌ساز استراتژیک ... معمولاً احتیاجی به در دست داشتن داده و پردازش علمی آنان برای تحلیل حوادث اتفاقیه و یا پیش‌بینی و تخمین روند امور ندارد. هنر اینان در آن است که نسبت به همه فعل و انفعالات ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی آگاهند و برای تحلیل آنها، اساساً احتیاجی به خبر پرورش یافته (اطلاعات) ندارند.» (۱۳)

اگر بپذیریم که امروزه درک، تحلیل و تصمیم‌سازی در حوزه «امنیت» به علمی دقیق و بسیار پیچیده تبدیل شده است که جز عقل جمعی و اذهان حرفه‌ای از عهده آن بر نمی‌آیند؛ آنگاه ضرورت تأمل‌های فلسفی و ماهیت‌شناسانه بیش از پیش برای ما روشن خواهد شد. پژوهش‌هایی که با دخل و تصرف در ماهیت معناشناختی امنیت به پیدایش ساختارها، شیوه‌ها و روندهای نوین در مقام تأمین و صیانت از آن، کمک می‌کنند. بر این اساس غیرواقع‌بینانه نخواهد بود اگر همسو با «جان‌مک‌گین»^۱ ارکان ساختار عینی امنیت را بر شالوده‌های معناشناختی آن استوار ساخته و مدعی شویم که: ساختارهای پیچیده و به ظاهر استوار، بدون داشتن ارتباط وثیق با مبادی معناشناختی دقیق، در حقیقت «سست» و «در معرض زوال» خواهند بود. (۱۴) به این دلیل است که پرسش از نشانگان معناشناسانه امنیت، سؤالی ضروری و بنیادین به شمار می‌آید. در پاسخ به این پرسش می‌توان چهار شاخصه نشانه‌شناسیک را مورد توجه قرار داد:

نشانه اول: گفتار «قدرت»

منظور از «گفتار» در اینجا تعبیر «سوسوری» آن است که «کاربرد شخصی زبان» را شامل می‌شود و از این حیث با «زبان» که دربرگیرنده نظام نشانه‌ها و قاعده‌های ویژه است، تفاوت دارد. (۱۵) بر این اساس می‌توان «گفتار قدرت» را زبان به کار گرفته شده

1. John McGinn

از سوی «دولتمردان» برای برقراری ارتباط با مردم، معرفی کرد. با این معنا «گفتار» بارزترین و نخستین نشانه‌ای است که برای «امنیت‌سازی» از سوی دولت‌ها به کار گرفته می‌شود. در زمینه ارزش «نشانه گفتاری» در فرآیند «امنیت‌سازی» نکات زیر در خور توجه هستند:

۱. گونه‌شناسی گفتاری

وضعیت ویژه علوم انسانی از حیث نقش‌آفرینی عوامل مختلف و متعدد و همچنین وجود عنصر اراده، منجر شده تا گفتار خاصی در این حوزه حاکم گردد که بطور طبیعی از گفتار عالمان علوم طبیعی متفاوت است. از این منظر، نگارنده سه نوع گفتار را از یکدیگر تمییز می‌دهد:

۱-۱. گفتار متصلب

در این گونه، دولت نسبت به انشاء گزاره‌هایی مشخص و معین اقدام می‌ورزد که هدف از آن تحقق قطعی وضعیتی خاص است. در این گونه از گفتار، واژگانی چون «باید»، «نباید»، «لازم است» و «مقرر گردید» کاربرد بسیار دارد و اهداف بصورت ایجابی تعریف شده‌اند. این قبیل از گفتارها اگرچه انعطاف‌پذیری اندکی دارند، اما می‌توانند با توجه به میزان توان‌مندی دولت در تحقق گزاره‌های اعلامی، از ارزش معنابخش بالایی برخوردار باشند. بدین صورت که اگر دولت توان فایق آمدن بر سایر مؤلفه‌ها و تحقق وضعیت را داشته باشد؛ فرآیند حضور دولت در تعریف وضعیت امن به نفع آن تغییر کرده و به الگوی قدرت محور نزدیک می‌شود. بالعکس، اگر دولت از این گفتار استفاده نماید، اما در عمل توان تحقق آن را نداشته باشد، موقعیت دولت به شدت مخدوش شده و به حاشیه رانده خواهد شد. (۱۶)

۱-۲. گفتار منفعل

این‌گونه گفتار در قیاس با گفتار اول حالت تفریطی را شکل می‌دهد که در آن دولت با بکارگیری گزاره‌های کلان و خنثایی که امکان جمع معانی متعدد، متفاوت و حتی متعارض را دارد؛ سعی می‌کند برای خود جایگاهی - ولو مبهم - در عرصه امنیت‌سازی جستجو نماید. گفتارهای انفعالی در وضعیت «آناشسی» امکان ظهور می‌یابند و به نوعی بر ناتوانی دولت در اداره مؤثر امور دلالت دارند. گفتارهای انفعالی اگرچه از حیث میزان انعطاف‌پذیری با شرایط جاری قابلیت بالایی دارند، اما ارزش معناشناسی پایینی داشته و نمی‌توانند اراده دولت برای تعریف وضعیت امن در درون جامعه را به نمایش گذارند. «پل بروکر»^۱ در مقام ارزیابی «رژیم‌های غیردموکراتیک» از این شاخصه استفاده کرده و رژیم‌های غیردموکراتیک را به دو دسته اصلی تقسیم می‌نماید: رژیم‌های آمر و تابع.

در حالی که الگوی رژیم‌های آمر به میزان زیادی به گفتار قطعی نزدیک می‌شود؛ رژیم‌های تابع به حکومت‌هایی اطلاق می‌گردد که صرفاً بدنبال استمرار بقای خویش از طریق انطباق‌پذیری با جریان‌های مؤثر هستند. (۱۷) در این مواقع است که درصد فراوانی واژگانی چون «غیرمرتبط»، «بیطرف»، «در انتظار تحولات آتی»، «مشخص شدن واقعیت‌ها»، «احتیاط» و ... افزایش یافته و در مجموع به سکوت، نظاره‌گری و تبعیت دولت منتهی می‌شود.

۱-۳. گفتار احتمالاتی

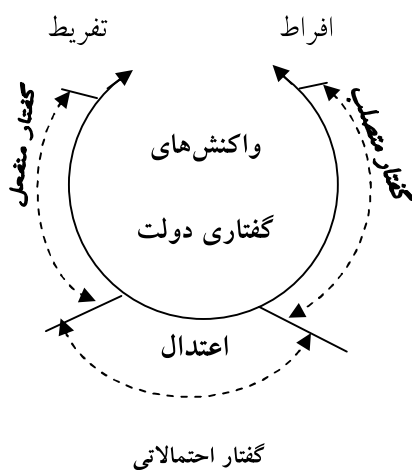
اگر بپذیریم که فهم پدیده‌های سیاسی، امر پیچیده‌ای است که درک آنها متضمن تأمل و تجربه بسیار است، آنگاه صحت این سخن آشکار خواهد شد که:

1. Paul Brooker

«چنانچه یک عالم و محقق [سیاسی] به نحو احسن تربیت شود و خود نیز شخص عادی و طبیعی باشد، می‌تواند به درصد قابل توجهی از ذات یک پدیده سیاسی پی ببرد. درصد قابل توجه را می‌توان از ۵۱ تا ۹۹ درصد در نظر گرفت.» (۱۸)

در چنین چشم‌اندازی مشخص می‌شود که گفتار دولتمردان پیوسته در چارچوب سناریوهایی قرار دارد که نه کاملاً قطعی خواهند بود و نه بی‌شکل و بی‌معنا. بر این اساس، دولت با ترسیم مبانی و خط‌مشی اصلی خود اقدام به ارایه تصاویری ژلاتینی از آینده می‌نماید که در عین استقرار و مشخص بودن مؤلفه‌های اصلی آن، دارای درصد معقولی از تغییر و تحول می‌باشد. گفتار احتمالی مبتنی بر محاسبات عقل ابرازی است و در میانه دو گفتار پیشین قرار گرفته و جنبه اعتدالی به خود می‌گیرد. (نگاه کنید به نمودار شماره ۳)

نمودار شماره ۳:
گفتارهای سه‌گانه دولتی



۲. عقلانیت گفتاری

هریک از گفتارهای مذکور بر اصولی عقلانی استوار است که مانع از آن می‌شود تا گفتاری خاص را به عنوان «گفتار عقلانی» بخوانیم، زیرا عقلانیت (به معنای محاسبه‌گری) با توجه به شرایطی برای دولتها تعریف شده تا آن حد که هر یک از گفتارها در موقعیتی خاص می‌توانند از تاثیرگذاری مطلوبی برخوردار باشند. اما در کنار ایده «گفتار عقلانی» می‌توان از موضوع دیگری سخن به میان آورد که از آن به «عقلانیت گفتاری» یاد می‌شود. غرض از طرح این مفهوم، ارایه پاسخی به این پرسش اساسی است که: «کدامیک از گفتارهای سه‌گانه می‌تواند به عنوان بنیاد اصلی گفتار دولتی قرار گیرد؟» به عبارت دیگر پویایی و ماندگاری تاریخی کدامیک از این گفتارها بیشتر است؟

در مقام پاسخگویی، باید گفت که اگرچه گفتار واقعی آمیزه‌ای از گفتارهای سه‌گانه است، اما تجربه عملی حکایت از آن دارد که گفتار احتمالاتی از روایی بیشتری در مواجهه با شرایط متحول سیاسی - اجتماعی برخوردار است. بنابراین کاربرد گزاره‌های متصلب و یا انفعالی تنها در صورتی که با اصول اعتدالی همراه باشد، مؤثر واقع می‌شود و در غیر این صورت احتمال اینکه بتوان در مقام عمل صرفاً با انشاء گفتارهای متصلب و یا منفعل به ایجاد ارتباط مطلوب در جامعه نایل آمد، پایین و حتی منفی است.

۳. ارزشگذاری نشانگان

زمانی «بارت» با اشاره به فرآیند متحول تولید «نشانگان»، نشان داد که پیشرفت زمان و توسعه آگاهی انسان در پیدایش نشانگان تازه مؤثر بوده و از این حیث «نشانها» ثابت و یکسان نیستند. (۱۹) همین ایده در نظام امنیتی دولت - ملت نیز تأثیرگذار بوده و می‌توان مدعی شد که نشانه‌های گفتاری اگرچه از سابقه دیرینه‌ای برخوردارند، اما از ارزش واحدی برخوردار نبوده و بدینسان شاهد تغییر ارزش امنیتی گفتارها هستیم.

«دیوید پالتز»^۱ با تحلیل ارزش روشهای مختلف ارتباطی در حوزه سیاست، به آنجا می‌رسد که ارزش گفتارها به میزان زیادی کاهش یافته و مردم در جهان معاصر چنان‌اند که توجه بیشتری به نشانگان غیرگفتاری بازیگران دارند. این پدیده بزعم وی عام و جهان شمول بوده و به تناسب می‌توان در جوامع پیشرفته و یا در حال توسعه از آن سراغ گرفت. (۲۰) به تعبیر «صلاح نصر» افزایش سازمان‌های خبرپراکنی، تولید انبوه اخبار و گزاره‌های اطلاعاتی، ناکامی قدرتها در عمل به بخش زیادی از تعهداتشان، و... منجر شده تا ارزش «گفتار» در میان مردم به شدت کاهش یافته و در عوض نشانگان کاربردی چون «رفتارها» و «بازخوردها» برای آنان از اهمیت بیشتری در ارتباط با دولت برخوردار باشد. (۲۱)

نشانه دوم. تصمیم قدرت^۲

اگرچه قدرتها می‌توانند در مقام «گفتار» از تکثر و انعطاف نسبتاً بالایی برخوردار باشند، اما حوزه تصمیم‌سازی چنان است که این تکثر و تنوع به انجام خود رسیده و در نهایت گزینه خاصی به عنوان تصمیم رسمی در عمل معرفی می‌شود. به این دلیل افرادی چون «دنوکس»^۳ در مواجهه با راهبردهای نوین آمریکا در حوزه کشورهای عربی به آنجا می‌رسند که: گفتار دولت آمریکا در خصوص اهمیت و ثبات داخلی این کشورها و حمایت مؤثر این دولت از آنها نمی‌تواند همچون قبل معنادار باشد و در عمل، تصمیم آمریکا به بسط دموکراسی در این منطقه، می‌تواند موجد ناامنی در بسیاری از این کشورها باشد. به عبارت دیگر، امنیت ملی بسیاری از کشورهای عربی از

1. David Paletz

2. Power Decision

3. Gulain P. Denoeux

ناحیه تصمیم‌رسمی دولت آمریکا تهدید خواهد شد، اگرچه در سطح گفتاری حتی چنین ایده و هدفی تصریح هم نشده باشد. (۲۲)

با این توضیح مشخص می‌شود که «تصمیم» از حیث ارزشمندی در فرآیند شکل‌گیری وضعیت امن، نشانگانی معتبرتر و موثرتر از مورد پیشین دارد و می‌توان آن را «نشانه‌ای» ارزیابی کرد که در شکل‌گیری معنای نهایی «گفتار» نیز دخیل است. اساساً «تصمیمات» می‌توانند نشان دهند که تنوع گفتاری دولتها به چه معنا بوده و دولتها از ابتداء چه ایده و الگوی عملی‌ای را مدنظر داشته‌اند. حتی افزون بر آن، درک ضرورت اعمال اصلاحات و تغییرات معنادار در اصول گفتاری متعارف برای هماهنگی با روح حاکم بر نشانگان «تصمیم دولت» نیز از همین ناحیه قابل استنتاج است. (۲۳) خلاصه کلام آنکه دولتها اگرچه با گفتار، تصاویر متفاوتی از خود تولید می‌کنند؛ اما آنچه در عمل به تأیید یک تصویر کمک می‌کند، تصمیمی است که از سوی آنها گرفته و اعلام می‌شود.

نشانه سوم. رفتار قدرت

اگرچه «گفتارها» و «تصمیم‌ها»، سیاست اعلامی دولتها را شکل می‌دهند، اما چنانکه اکثر آشنایان با عمل سیاسی تأکید و تصریح دارند، آنچه به یک گفتار یا تصمیم، ارزش می‌بخشد؛ رفتاری است که از سوی نظام در تأیید و یا نقض آن ظاهر می‌شود. (۲۴) به عبارت دیگر سیاست نهایی یک دولت از سنتز «سیاست اعلامی» با «رفتار عملی» او استنتاج و درک خواهد شد. به همین دلیل است که «شبلی تلهامی»^۱ و «میشل بارنت»^۲ در مقام تجزیه و تحلیل سیاست خارجی کشورها، قایل به تفکیک «گفتار» از «رفتار» شده و بر این اعتقادند که: بسیاری از کشورهای خاورمیانه چنان‌اند که ایده‌هایی کلان

1. Shibley Telhami

2. Michael Barnett

(در سطح گفتاری) و سیاست‌هایی محدود (در سطح رفتاری) را بیان و دنبال می‌کنند. (۲۵) این واقعیت اگرچه در پاره‌ای از کشورها نمود بیشتری دارد، اما به گفته «هنری کسینجر» نمی‌توان قایل به تحدید آن در کشورهای خاص شد. چنین به نظر می‌رسد که این مهم در ذات سیاست عملی نهفته است و خود را به صورت‌های گوناگون - چون کوچک یا بزرگ‌نمایی سیاست اعلامی در قیاس با سیاست اعمالی - در حوزه دیپلماسی نشان می‌دهد. (۲۶)

گذشته از صحت یا سقم وجود چنین تفاوتی، می‌توان اینگونه استنتاج کرد که سومین نشانه‌ای که در شکل‌گیری «معنای امنیت» تأثیرگذار است، «رفتار» دولت در صحنه خارجی می‌باشد.

نشانه چهارم. بازخورد قدرت

نشانگان سه‌گانه پیشین ناظر بر نوع فعالیت قدرتها در معنابخشی به وضعیت امن برای مخاطبان خویش می‌باشند و از این حیث در ارتباط وثیقی با اراده دولت قرار دارند. در این میان «بازخورد» وضعیتی کاملاً متفاوت دارد و به مثابه نشانه‌ای (نسبتاً) آزاد از «قدرت» ارزیابی می‌گردد که ناظر بر نتایج حاصله از تصمیمات در عالم خارج بوده و به یک معنا می‌توان آن را عصاره کل فرآیند پیچیده تولید معنای امنیت دانست. این ایده بصورت آشکار و ساده توسط «ماکیاولی» بیان شده است، آنجا که کاربرد زور را با توجه به پیامد ناشی از آن معنا کرده و معتقد است: چون نتیجه عمل شه‌ریار مثبت باشد و نفع و امنیتی حاصل آید، مردم اقدام او را موجه می‌دانند و در غیر آن زبان نقد بر وی می‌گشایند. وی با توجه به عملکرد زورمدارانه «آگائو کلس» از یکسو از استمرار حکومتش، و از سوی دیگر از سکوت و رضایت مردم بر بقای وی اظهار تعجب کرده، می‌نویسد:

«شگفت این است که کسانی همچون آگائوکلس با آن همه خیانت‌ها و تبه‌کاری‌ها، در کشور خویش جان بدر می‌برند و [حتی] می‌توانند پوزه دشمنان بیگانه را به خاک مالند و از شهروندان کسی دومی برای ایشان نمی‌نهد.» (۲۷)

ماکیاولی در «گفتارها»، فلسفه وجودی این پدیده را در آن می‌داند که «پیامدها» و «نتایج» برای مردم از گفتارها، رفتارها و تصمیمات ارزشمندترند؛ زیرا همه این نشانگان امور کلی هستند و مردم در نهایت، کلیات اعتقادی خویش را با توجه به نتایج جزئی و عینی حاصله، ارزیابی می‌کنند:

«آدمیان در کلیات، بیشتر اوقات به اشتباه می‌افتند ولی در جزئیات بندرت دچار اشتباه می‌شوند... [پس] سریع‌ترین راه گشادن چشم مردم این است که ... وسیله‌ای پیدا کنیم تا بتوانند در جزئیات بنگرند... گمان می‌کنم این نتیجه را نیز می‌توان گرفت که مرد خردمند نباید به داوری مردم در امور جزئی ... بی‌اعتنا باشد.» (۲۸)

تفسیر ساده گفتار ماکیاولی آن است که انسان‌ها در نهایت به نتایج حاصله از سیاست‌ها نگاه می‌نمایند و مثبت و یا منفی بودن یک عمل را با توجه به پیامدهای آن می‌سنجند. از این منظر، «بازخورد» را می‌توان معنا بخش‌ترین نشانه در بحث از امنیت‌سازی ارزیابی نمود. به این دلیل است که «آکیرا ایری‌یی» در مقام ارزیابی سیاست امنیتی آمریکا در فردای جنگ سرد، آن را سیاستی ناقص و ناتمام ارزیابی می‌نماید. بزعم وی اگرچه با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایده نظم استیلاطلب در دستور کار دولت آمریکا قرار گرفت و این ایده در سطوح گفتاری (با عنوان نظم نوین جهانی جرج بوش)، تصمیم‌سازی (تهدید بازیگران رقیب و مخالف آمریکا) و حتی رفتاری (حمله به عراق) تجلی یافت؛ اما از آنجا که نتوانست پیامد مطلوب دولتمردان آمریکایی را به دنبال داشته باشد و نتوانست شکل‌گیری استیلای آمریکایی را عینیت بخشد، ناکام ماند. تحلیل او حکایت از آن دارد که ارزش امنیتی «بازخورد» از کلیه نشانگان پیشین بیشتر بوده و به این جهت جرج بوش (پدر)، صحنه رقابت سیاسی را به نفع دموکرات‌ها ترک کرد. (۲۹)

نتیجه گیری

«پرسش محوری من آن است که نتایج سیاسی محصول کدامین ایده‌ها هستند؟ و

اینکه چگونه این تاثیرگذاری شکل می‌گیرد؟» (۳۰)

پرسش مهمی که «جودیت گلدشتین»^۱ و «رابرت کیوهان»^۲ مطرح نموده‌اند، از جمله سوالات تاریخ‌مندی است که توجه فلاسفه علوم اجتماعی را به خود معطوف داشته است. خاستگاه علم «نشانه‌شناسی سیاسی» را نیز می‌توان در همین جا جستجو کرد؛ چرا که پاسخ‌های نخستین مبنی بر نقش‌آفرینی بلامنازع صاحبان قدرت و تصمیم‌گیرندگان سیاسی در پیدایش سیاست‌های مطلوب دولتمردان، بواسطه پیچیدگی ارتباطات سیاسی - اجتماعی مورد نقد واقع شده و شاهد شکل‌گیری الگویی چند عاملی است که در آن، گفتارها کمترین میزان اهمیت را دارند و در عوض عوامل تاثیرگذاری چون بازخورد، تصمیم و رفتار مطرح می‌شوند. (نگاه کنید به نمودار شماره ۴) آموزه‌های کاربردی تحلیل حاضر بصورت مختصر عبارتند از:

۱. دولت‌ها همچنان در شکل‌گیری مدلول امنیت نقش مؤثری را برعهده دارند.
۲. دولت‌ها برای ایفای نقش خود در زمینه تأسیس مدلول امنیت، به میزان زیادی متأثر از نشانگان اجتماعی هستند.
۳. گفتار، تصمیم، رفتار و بازخورد چهار نشانه مهم اجتماعی است که نقش‌آفرینی دولت را تعدیل و هدایت می‌کند.
۴. مردم، بیش از آنکه به گفتار دولت توجه داشته باشند به تصمیمات برآمده از آن گفتارها توجه دارند.
۵. مردم، بیش از آنکه به تصمیم رسمی اتخاذ شده توجه نمایند، به نوع رفتار دولت توجه دارند.

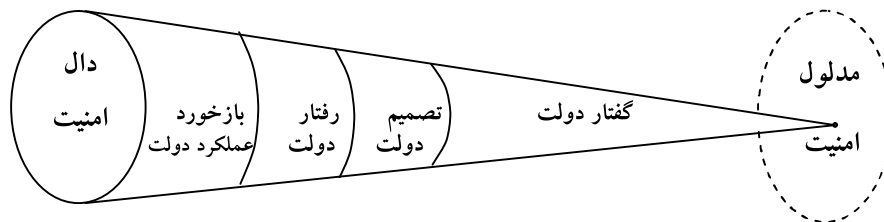
1. Judith Goldstein

2. Robert Keohane

۶. در عصر حاضر، نتایج عملی و کاربردی ناشی از تصمیم دولت‌ها بیشترین میزان تاثیرگذاری را در شکل‌گیری مدلول امنیت در جامعه دارد. به عبارت دیگر معانی به میزان زیادی متأثر از نتایج هستند.
۷. از حیث تأثیرگذاری معناشناختی، گفتار از کمترین ارزش نسبت به سایر شاخص‌ها برخوردار است. بنابراین اتکاء دولت‌ها بر گفتارها برای ایجاد مدلول امنیتی مورد نظر، سیاستی ضعیف ارزیابی می‌شود.
۸. دوگانگی «گفتاری - رفتاری» در عرصه امنیت‌سازی چنانکه به نتایج مطلوبی منتهی شود، غالباً از سوی مردم پذیرفته شده و قابلیت توجیه می‌یابد. مجموع ملاحظات بالا را می‌توان بصورت نمودار شماره ۴ ترسیم و بیان نمود.

نمودار شماره ۴

نظام معنایی امنیت در الگوی دولت محور



اولویت / ارزش نشانگان

یادداشت‌ها

1. Ole Waver, "Securitization & Desecuritization", in: Ronnie D. Lipschutz (edi), *On Security*, New York, Columbia University Press, 1998, p. 40.
2. See Regina Cowen Karp(edi), *Security Without Nuclear Weapons? Different Perspectives on Non – Nuclear Security*, available: <http://www.oup.usa.isbn / 0198291434.html>; Michael C.Hudson, *Middle East Dilemma*, available: <http://www.ccasonline.org/publications/ccasbooks.htm>; Robert L. Pfaltzgraft & Uri Raanan, *National Security Policy*, Archon Books, 1984.
3. See Barry M. Blechman, *The Politics of National Security*, available: <http:// www.oup. usa.org / isbn0195077059 .html>.
4. رک. بابک احمدی، *از نشانه‌های تصویری تا متن؛ به سوی نشانه‌شناسی ارتباط دیداری*، تهران، مرکز، ۱۳۷۱.
5. رک. بابک احمدی، *ساختار و تاویل متن؛ نشانه‌شناسی و ساختارگرایی*، تهران، مرکز، ۱۳۷۰، صص ۳۸ – ۱۱.
6. Bill McSweeney, *Security, Identity & Interests*, Cambridge, Cambridge University Press, 1999,p.58.
7. باری بوزان، *مردم، دولتها و هراس*، مترجم: ناشر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸، صص ۱۰۴ – ۷۸.
8. این رویکردها را به صورت مبسوطی در مقدمه کتاب زیر به بحث گذارده‌ام: مک‌کین لای و آر. لتیل، *امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها*، اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰، صص ۷۲ – ۹، (فرهنگ امنیت جهانی).
9. See Lawrence H. Thompson "An overview of social security", in Eric Kingson & James H.Schultz (Edis), *Social Security in 21th Century*, available: <http://www.oup.usa.org/toc/tc-0195/04250.html>.
10. See Volker C. Frank, *Security in a Changing World*, available: <http://www.Amazon.com / exec / obidos / tg / defail / 0275976122>.
۱۱. از منظر گفتمانی می‌توان در مقابل رویکرد «دولت محور» از دو گفتمان بدیل دیگر سخن گفت که عبارتند از: گفتمان مبتنی بر شخص‌گرایی و گفتمان مبتنی بر جامعه جهانی. در گفتمان بدیل نخست، اشخاص و حقوق فردی آنها که ریشه در «انسان بودن» آنها دارد، موضوع بحث قرار می‌گیرد؛ حال آنکه در گفتمان دوم تأسیسات فراملی چون جامعه جهانی که برگرفته از نظریه‌های جدید ارتباطات هستند، مدنظر می‌باشند. در مجموع

گفتمان دولت محور یا از ناحیه بازیگران فروملی و یا بازیگران فراملی، به چالش کشیده می‌شود. (جهت مطالعه در خصوص هر یک از این گفتمان‌ها و آشنایی با دیدگاه‌های مطرح شده در ذیل هر یک رجوع شود به: اصغر افتخاری (گزینش و ترجمه)، *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱.

12. Joel Migdal, *Strong Societies & Weak States*, Princeton, Princeton University Press, 1988, p. 33.

۱۳. محمدرضا تاجیک، *مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: رهیافت‌ها و راهبردها*، تهران، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ج ۱، ۱۳۸۱، ص ۲۵.

14. See John G. McGinn, et al, *A Framework For Strategy Development*, available: <http://www.rand.org/publications/MR/MR1392>.

۱۵. جهت آشنایی با این تفکیک زبان‌شناختی رک. *ساختار و تأویل متن: نشانه‌شناسی و ساختارگرایی*، پیشین، صص ۱۵ - ۱۴.

۱۶. به عنوان مثال می‌توان به پژوهش میشل هانت (Michael Hunt) در خصوص سیاست خارجی آمریکا اشاره داشت. وی با اشاره به ایدئولوژیک شدن نوع گفتار دولتمردان آمریکایی در بحث از امنیت ملی آمریکا در ابعاد سه‌گانه تعریف اهداف، کاربرد روشها و طراحی ساختارها؛ تأکید می‌کند که در مجموع مردم آمریکا از این نوع گفتار استقبال نموده‌اند. دلیل آن را نیز می‌توان در وجود توان‌مندی این دولت در پیشبرد گزاره‌های انشاء شده دانست که به افزایش غرور ملی کمک کرده است. در مقابل گفتارهای ایجابی ارایه شده از سوی صدام حسین در جریان مقابله با آمریکا توسط آنتونی کوردزمن (Anthony H. Cordesman) مورد نقد واقع شده و دلیلی برای بی‌اعتباری رژیم بعثی نزد مردم عراق، معرفی شده است. جهت مطالعه این دو دیدگاه رک.

- Michael H. Hunt, *Ideology & US Foreign Policy*, 1988, available: <http://www.amazon.com/exec/obidos/tg/detail/0300043694;Anthony H. Cordesman, The Iraq War: Strategy, Tactics & Military Lessons>, available: <http://CSIS.org/pubs/2003-iraqwar.htm>.

17. See Paul Brooker, *Non - Democratic Regimes*, MacMillan Press, 2000.

۱۸. سریع‌القلم، محمود، *روشن تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل*، تهران، نشر پژوهش‌فرزان‌روز، ۱۳۸۰، ص ۸.

۱۹. رک. *از نشانه‌های تصویری تا متن*، پیشین، صص ۱۵ - ۱۲.

۲۰. نک. دیوید ل. پالتر، *ارتباطات سیاسی در عمل*، مهر شفقتی، تهران، سروش، ۱۳۸۰، بویژه ۹ - ۱.

۲۱. نک، صلاح نصر، *جنگ روانی*، محمود حقیقت‌کاشانی، تهران، سروش، ۱۳۸۰، بویژه صص فصول اول از بخش اول و چهارم.

22. See Gulain P. Denoeux, *The US & The Challenge of Democratization in The Arab World*, available:

<http://www.ccas.online.org/pulications/ccaspapers.htm>.

۲۳. جهت مطالعه موردی در این خصوص نگاه کنید به اثر زیر که در آن ایده «امنیت داخلی» در آمریکا از این منظر مورد توجه قرار گرفته و نویسنده با عطف توجه به تصمیم نهایی اخذ شده برای تحقق «امنیت داخلی» به تحلیل گفتارها و رفتارهای پیشین دولت آمریکا پرداخته و مدعی می‌شود که گفتار و اصول رفتاری، توانایی حمل این تصمیم را نداشته‌اند. بنابراین تصمیم حاضر دلالت بر ضرورت بازاندیشی در اصول گفتاری و رفتاری دولت نیز دارد که باید در عصر حاضر به آن همت گمارد.

- Amanda J Dory, *Civil Security: Americans & the Challenge of Homeland Security*, available: <http://csis.org/pubs/2003-civil-htm>

۲۴. این اصل به عنوان جوهره دیپلماسی معرفی شده است و اکثر آشنایان با عمل سیاسی کشورها در عرصه سیاست بین‌الملل، از آن به مثابه یک اقدام ضروری برای تحصیل منافع ملی یاد می‌نمایند. به همین دلیل است که دیپلمات موفق نیز کسی ارزیابی می‌شود که بتواند به نحو احسن در ایفای این نقش موفق ظاهر شود. رک.
- George F. Kennan, *American Diplomacy*, Chicago, C.U.P., 1985.

25. See Shibley Telhami & Michael Barnett (edis), *Identity & Foreign Policy in The Middle East*, available: <http://www.amazon.com/exec/obidos/tg/detail/o80/487455.esp.introduction>.

26. See Henry Kissinger, *Years of Renewal*, availb: <http://www.amazon.com/exec/obidos/fg/detail/0684855720>.

۲۷. ماکیاوللی، نیکولو، *شهریار*، داریوش آشوری، تهران، کتاب پرواز، ۱۳۶۶، ص ۵۷.

۲۸. ماکیاوللی، نیکولو، *گفتارها*، محمدحسن لطفی، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۷، صص ۷-۱۵۵.

۲۹. تحلیل «آکیرا ایری‌بی» را در نوشتار زیر بخوانید: *تاریخ قرن بیستم (دانشگاه کلمبیا)*، محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۲، صص ۴۰-۴۱۱.

30. Goldstein, Judith & Robert O.Keohane, "Ideas & foreign policy: analytical framework", in J.Goldstein & R. Keohan, *Ideas & Foreign Policy*, Cornell University Press, 1993, p. 11.